

اعتراض

اعتراضات به جشنواره سی‌وپنجم فجر ادامه دارد

انتقاد از مجیز گوینی در اختتامیه



اعتراض‌ها به داوری جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر و تبعات آن همچنان ادامه دارد. به گزارش «وطن‌امروز» در حالی که منتقدان، اهالی رسانه و فیلمسازان به ضعف جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر اذعان می‌کنند و برخی آن را بی‌اعتبارترین جشنواره در تاریخ ادوار برگزاری جشنواره فیلم فجر می‌دانند، بازیگران و فیلمسازان در متن‌ها و مصاحبه‌هایی جداگانه به داوری‌های پر از اشتباه این دوره انتقادات می‌کنند. میلاد کی‌مرام، بازیگر سینما و تلویزیون در مطلبی نوشته است: امیر آقای، هادی حجازی‌فر، حامد بهداد، فرشاد محمدی، مسعود سلمی، محسن نصراللهی، محسن دارسنج، محمدحسین مهلویان، منیره قیدی، زهرا داوودنژاد و خیلی از دوستان... البته آقای جبرانی که دیگه وانش مهم نیست. بخوام بگم باید تا صبح بگم شما عزت و از خدا گرفتین، وقتی تو سالن استمون میاد همه دست میزنن و حالشون خوبه از اینکه شماها رو دارن تو سینما، این یعنی عزت. کی‌مرام در کنایه‌ای به یکی از اظهارنظرهای روی سن اختتامیه فجر هم نوشته است: «همو جون، قشنگ، کاری به دیوار نداشته باش شما، یاد بگیر اندازه حرفات قد بکشی، دوما با دیوار کار نداشته باش شما، ببین باد از کدوم‌ور میاد خودت و ها کن، ششل بگیرن دینارو، سوسما شما یک تغییر رشته هم می‌تونی بدی بری تو مسابقات موج‌سواری شرکت کنی، بی شک یکی از بهترین‌ها میشی». سابت کافه سینما هم در انتقاد از اظهارنظر نوید محمدزاده، حرکت وی در اختتامیه را ایستادن رو به قدرت و پشت کردن به سینمای عنوان کرده و نوشته است: جشنواره امسال هم با خاطر‌های گوناگون به پایان رسید. از داوری‌ها و نامزدها و جوایز، ناراحت‌کننده‌تر این بود که افرادی در ازای به دست آوردن سیمرغ، به مردم و همکاران‌شان پشت کردند. بعضی رو به قدرت بی‌سلیقه ایستاندن و پشت به عاشقان سینما. برخی برای گوری که در آن مرده‌ای نیست، ضریح و امامزاده‌های دروغین، با گنبد و بارگاهی از طلا ساختند. نذر دادن و خیرات کردند و تا کمر خم شدند. تا اول کمک‌هزینه ساخت‌بارگاه‌را بگیرند و بعد منتظر بنشینند شاید

کسی ربالی در این ضریح خودساخته بیندازد. این ناراحت‌کننده‌ترین اتفاق انتهای جشنواره امسال بود. محسن کیایی که با فیلم‌های «سد معبر»، «یک روز بخصوص» او ایستگاه اتمسفر[ا در جشنواره سی‌وپنجم حضور داشت در حساب شخصی‌اش در اینستاگرام نوشته است: «من خیلی اهل جنجال و بحث‌های حاشیه‌ای نیستم ولی واقعا دیگه نمی‌تونم چشمم رو روی این بی‌عدالتی ببندم؛ آقای «هادی حجازی‌فر» سال پیش هم شما رو ندیدن امسال هم همین‌طور! سینمای ما شده بازی‌های سیاسی و جایزه‌های تکراری بی‌کارشناسی؛ هرچه داد بزنی و گریه کنی و ملق بزنی جایزه می‌گیری. آقا شما می‌مانی در سینما و به حقت می‌رسی…» مینا ساداتی، بازیگر فیلم «تابستان داغ» هم با اظهارنظری درباره داوری‌ها نوشت: جشنواره تمام شد و باز باسوال‌های بسیار، طبق عادت همیشگی سکوت می‌کنم و نمی‌پرسم حطور در جایی توانایی مهم می‌شود و در جایی دیگر سکوت؟ در بخشی برای دادن جایزه توانایی‌ها به تساوی تقسیم می‌شود و در بخشی سکوت و بزرگی همچون سونامی از روی کیمیت و کیفیت عبور می‌کنند و آوار به جا مانده نصیب می‌شود برای ورود به آینده. ولی من سکوت می‌کنم». یکتاناصر هم با اشاره به خاطره‌ای از دریافت سیمرغ نوشته است: خوشحالم که این جوایز هیچ‌گاه باعث نشدند مجیز کسی یا کسانی را بگویم، ولی امسال از برخی متعجب شدم که انگار در اختتامیه فجر فقط نطق کردند که دل بسوزاند و به رخ بکشند این سیمرغ دیگر بی‌پر و بال را... شنیم قلی‌خانی، بازیگر سینما و تلویزیون نیز در اظهارنظری جشنواره فجر امسال را تلخ‌ترین جشنواره طی سال‌های اخیر دانست. اگر جامعه ما غم‌زده است باید فیلم‌هایی با تم امید، بخشش و صلح ساخته شود، نه اینکه به آن مشکلات دامن بزیم. حواشی جشنواره اما به نلمه روز گذشته احمدرضا معتمدی به روحانی منجر شد. معتمدی در نامه‌اش به رئیس‌جمهور نوشت: سینمای ایران را ۳ دهه برداند: ابتلال‌گرایان، مجیز‌گویان و وابستانگان آن سوی آب. پول‌شان شسته و ناشسته برجاست و ابشخورشان فیاض و سرریز. سینمای مستقل، هنر جو و اندیشمند، مهجور و متروک، خودی‌های دلسوزی که از روی سادگی، زبانی نیز به انتقاد و خرده‌گیری گشوده‌اند! کارگزاران شما با نحوه داوری و گزینش جشن سینما که قرین با دهه انقلاب است، متأسفانه تعریفی تازه نیز از دهه فجر به دست داده‌اند و این هزینه گرانی بود که بر شما و سایر اصحاب انقلاب تحمیل کردند.

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر



محسن شه‌میرزادی:نگاهی به پایان سی‌وپنجمین دوره جشنواره فیلم فجر نشان می‌دهد در سال آخر دولت یازدهم، مدیران فرهنگی و بعضا سیاسی به جهت جلب رضایت طیف‌های مختلف سینما، سیمرغ را سهمیه‌بندی کرده‌اند تا بسیاری از فیلم‌ها و جریانات سینمایی غنیمتی از این جشنواره داشته باشند اما به‌رغم این مشی محافظه کارانه و سیاسی، هنرمندان این تقسیم‌بندی ناعادلانه را برناتفتند و هنوز اعتراضات آنها حتی پس از برگزاری اختتامیه جشنواره شنیده می‌شود. به گزارش «وطن‌امروز»، نکته جالب این جشنواره، انتقاد نامزدهای آثار به عدم نامزدی برخی فیلم‌ها بود و جالب‌تر از آن، انتقاد فیلمسازان به نامزدی خود در بخش‌های نامر تبط! فریدون جبرانی از داوران تشکر کرد که برف‌های پشت پنجره را دیده‌اند و کارگردان فیلم تحسین‌شده «بیست‌ویک روز بعد» در حالی که مستحق نامزد شدن در بسیاری از بخش‌ها بود، تنها در بخش جلوه‌های بصری نامزد شد که به قول محمدرضاخرمدندان کارگردان این فیلم، جلوه‌های بصری جزو نقطه ضعف‌های فیلم و بدترین بخش آن است و داوران این فیلم را تنها در این بخش نامزد کرده بودند. اگرچه حجت‌الله ایوبی این جشنواره را یکی از بهترین دوره‌های جشنواره و تحقق «امید» در سینمای ایران نامید، اما آثار راه‌یافته به جشنواره فجر حرف دیگری برای گفتن دارند.

■ **زن، قهرمان دنیای بی‌مرد**



نقش زن در این دوره از جشنواره فجر به نسبت سایر جشنواره‌ها پررنگ‌تر بوده است. فیلم‌های شبه‌فمینیستی «سارا و آیدا»، «آذر» و «زیر سقف دودی» از جمله فیلم‌هایی هستند که نقش زن را با نگاهی ضدمردانه توصیف کرده‌اند. در این آثار همواره مردهای قصه یا جانباکرنان یا بشدت بی‌عرضه و بی‌مسئولیت، هیچ نقش مثبتی از مردان در این فیلم‌ها مشاهده نمی‌شود و گوئی باری اضافی بر دوش و سدی در برابر زن‌ها هستند. اما در کنار این دو، فیلم «ویلاپی‌ها» روایت جنگ از نگاه زنان را برعهده دارد، نگاهی درست و تاثیرگذار که کمتر در سینمای دنیا دیده می‌شود. چیزی که در «شماره ۱۷ سهپلا» نیز البته باقوت کمتری مشاهده می‌شود.
تکثر کارگردان‌های مرد روزهایی به سینما داده و باعث شده حتی فیلم‌هایی که زن‌ها سوزه اصلی هستند بی‌توجه به ظرافت و جهان‌بینی آنها با نگاه مردانه‌ای از زن ساخته شود. فیلم‌هایی مثل «ایتالیا ایتالیا» نیز با بیان تغییر نقش زن به عنوان نان‌آور منزل در دنیای مدرن به پیامدهای ناگوار این تغییر نقش می‌پردازند.

■ **مردان نامرد**



بی‌شک عمده نقش‌های منفی و جانپنکار در سینما متعلق به مردان است، اما هنگامی که کارگردان به تعریف نقش‌ها می‌پردازد اگر از حد تعادل در تعریف نقش منفی در زندگی عادی خارج شود، معنای دیگری در پی خواهد داشت. مردهای با نقش منفی در سینمای فجر۳۵ علاوه بر جانپنکار بودن، بی‌عرضه نیز هستند. اگر تعریف درست مرد را در جامعه، ستون خانواده بنامیم، با ویرانی این ستون دیگر سقفی برای خانواده پیدا نمی‌کنیم که در بسیاری از فیلم‌ها این بازنمایی به نامناسب‌ترین شکل ممکن رخ داده است. در فیلم «آباجان» همه مردهای خانواده با معنات و آدم‌فروش هستند یا بی‌عرضه و کفرتیاز یا اینکه رو به موت بوده و کاری از آنها برنمی‌آید. «بدون

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر



تاریخ، بدون امضا» روایت مردی است که به دلیل ارزانی گوشت مرغ مرده به منزل می‌آورده و فرزندش به همین دلیل فوت می‌کند. در «آذر»، شوهر پسرعموش را می‌کشد و عموی مذهبی و بی‌منطقش، با شرط‌های عجیب مانع ادامه زندگی عادی آذر می‌شود. در «دعوتنامه» مرد بی‌عرضه نمی‌تواند زندگی‌اش را اداره کند و به زدی از زائران روی می‌آورد، مردد خوب قصه هم اگرچه انسان دل‌رحمی است ولی همواره هیچ محبتی نسبت به همسرش ندارد، همسری که بعدها می‌فهمیم او نیز صیغاش بوده و تازه عقد شده، اگرچه حضور شخصیت‌های مثبت و منفی در فیلم دیدهی است اما هنگامی که قاطبه داستان فیلم‌ها حول مردان نامرد شکل بگیرد، نشان از بازنمایی نادرست و غیرهدفمند از جامعه‌ای است که بعدها نباست همین فیلم‌ها بر مردم تاثیرگذار باشند.

■ **جامعه دهه جنگ**

به دلایل مختلف بویژه هزینه‌های گزاف، ساخت فیلم دفاع‌مقدسی از اولویت سازندگان فیلم خارج شده است و امسال جز ۲ فیلم «چراغ‌های ناتمام» و «اشنوگل» فیلمی به صورت مستقیم جنگ را سوزه خود قرار نداده است. اما اهمیت آن دوره و ظرفیت‌های قصه‌پردازی موجب شده سینمای اجتماعی دهه جنگ رونق بگیرد، فیلم‌هایی که پشت خط مقدم را روایت می‌کنند و اشاره مستقیمی به جنگ ندارند. «ماجرای نیمروز» به عنوان بهترین فیلم ملی و بهترین فیلم از نظر مردم و داوران، جزو آثاری است که به طور مستقیم به جنگ نمی‌پردازد، در واقع آنچنان جنگ داخلی در تهران فراگیر است که تنها برای آوردن فرمانده عملیات به پلان‌هایی از «بازی دراز» رجوع می‌کنیم. «آباجان» روایت یک خانواده زنجانی در دوران دفاع مقدس است که از جنگ فقط هواپیماهای عراقی، آژیر قرمز، صدای آوینی و چشم‌انتظاری مادر رزمنده نمود دارد. «دریاچه ماهی» روایتی از تفحص شهدا و فلش‌بک‌های کوتاهی از جنگ است و فیلم تحسین‌شده «ویلاپی‌ها» بیانگر زندگی همسران رزمند در یکی از شهرک‌های جنوب کشور است که با اقبال بالایی برخوردار بود. نکته جالب در این فیلم‌ها برجستگی نقش زن در آن دوران است که در ۲ فیلم «ویلاپی‌ها» و «آباجان» زن‌ها نقش اصلی فیلم را برعهده دارند.

■ **کمدی‌های درجه «بام»**



اگرچه بسیاری از فیلم‌ها مانند «فراری»، «ماجرای نیمروز»، «بیست و یک روز بعد» و «ایتالیا ایتالیا» رگ‌های برجسته‌ای از طنز در خود دارند اما تنها ۲ فیلم در جشنواره امسال به صورت مستقیم در ژانر کمدی می‌گنجند؛ «گشت ۲»، «خوب، بد،جلف» که هر دو به پشتوانه آثار قدیمی به این جشنواره راه پیدا کرده‌اند. «خوب، بد جلف» را می‌توان ادامه مجموعه تلویزیونی پرمخاطب پژمان دانست، هرچند این اثر از حد یک فیلم تلویزیونی فراتر نرفته، اما اقبال نسبتا مناسب

مخاطب را در گیشه به همراه خواهد داشت. «گشت ۲» نیز از پیش مشخص بود که ادامه فیلم گشت ارشاد است، اما شدت و ضعف آن به حدی است که اقبال عام را نیز به همراه خود ندارد. نگاهی به فیلم‌های طنز نشان می‌دهد شاهد افول خلاقیت و زبان جدیدی در طنز هستیم و خالقان این آثار به پشتوانه تجربه‌های موفق پیشین خودبه جشنواره پا گذاشته‌اند که این خود آینده‌ای نه‌چندان روشن را در سینمای کمدی نشان می‌دهد. اگر روزی شاهد پژمان کمدی درجه «الف» بودیم، امسال نمره این آثار با توجه به انتظاری که از سازندگان آن می‌رفت، نمی‌تواند بیشتر از «بام» باشد اما فیلم‌های موفقی که در ابتدا عنوان شد بیشتر از حد انتظار توانستند مخاطب را به خنده و تامل پس از آن

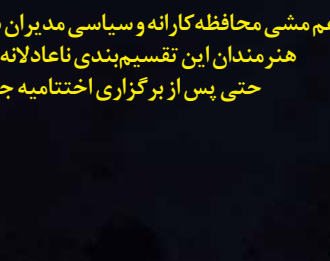
فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر



فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر



و دارند. هادی حجازی‌فر، مهرداد صدیقیان، محسن تنابنده، حامد کمیلی و نوجوان‌های در حال ظهور «بیست و یک روز بعد» توفیق بیشتری نسبت به کمدین‌های مشهور در به نشاط آوردن مخاطب داشتند.

■ **ژانر نکبت و یک شوخی بزرگ**



بعد از تعلق اکثر سیمرغ‌های بخش اصلی به «لیدویک روز»، نام ژانر «نکبت» توسط منتقدان بر زبان‌ها افتاده؛ روایت یک خانواده بدبخت در جنوبی‌ترین نقطه تهران که همه مشکلات قابل تخیل بر سرشان آوار می‌شود. اگرچه ژانر نکبت در برهه‌ای به سیناهمایی افراطی تعبیر می‌شد اما در دوره فعلی به سینمای «امید» تغییر نام پیدا کرد. اهدافی جویای متعدد و استقبال بالای جشنواره‌های داخلی و خارجی موجب شد تا این نوع از سینما که تفاوت کمی با سینمای فرهادی دارد در میان فیلمسازان جشنواره‌ای رسوخ پیدا کند. «تابستان داغ» و «بدون تاریخ، بدون امضا» از جمله فیلم‌هایی بودند که توانستند جوایز مهم جشنواره را نصیب خود کنند. فیلم‌هایی که به‌راحتی در ژانر نکبت می‌گنجند و با این روند بدون شک شاهد افزایش این قبیل فیلم‌ها در آینده سینمای ایران خواهیم بود. این درحالی است که بیش از آنکه این داستان‌ها دستاويز بیان اهمیت مفهوم «عدالت» باشند، به موضوعی برای دغدغه‌های شخصی تنزل یافته‌اند که نقش اول قصه یا جرم وقوع یافته را با مردانگی می‌بخشد یا سعی در انتقام دارد. ژانر نکبت استرژژیک نبوده و عدم نمایش مفهوم عدالت جمعی موجب می‌شود تا انسان‌ها همواره دنبال راهکارهای فردی برای رفع فقر و مشکلات خود باشند در حالی که ریشه معضلات اجتماعی در ساختارهایی است که بدون ریشه‌کن کردن فساد در آنها، ژانر نکبت در زندگی واقعی ما نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

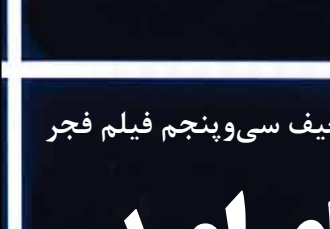
■ **متفاوت از تفاوت‌ها**



در میان آثار جشنواره فجر فیلم‌هایی حضور داشتند که سعی‌شان بر خلق فرمی متفاوت از سایر آثار بود. برخی از این فیلم‌ها توفیق بسیاری پیدا کردند و برخی دیگر با عدم استقبال مخاطبان مواجه شدند. «ماجرای نیمروز» به پشتوانه فرم ایستاده در غبار توانسته نظر هیات انتخاب را در راهیایی به جشنواره جلب کند. این فیلم کاملا خلاقانه و بدیع بوده است و ژانر داکيومدارم یا همان درام مستند روایت می‌شود که در جهان رایج است و نسخه بومی‌سازی شده آن در «ایستاده در غبار» و «آخرین روزهای زمستان» به چشم می‌آید. اما «ماجرای نیمروز» مرز بین مستند و سینما را از بین برده، زیرا از سویی با فرم داکيومدارم مواجه هستیم و از سویی دیگر با یک اثر سینمایی روبه‌رویم. بازیگران دیالوگ دارند و همانند یک اثر سینمایی همه اقتضائات آن رعایت شده است. استفاده از دوربین‌های ۱۶ میلیمتری که در گذشته به کار برده می‌شد، بسیار دشوار است اما اگر مصلحت‌سنجی هیات داوران نبود بی‌شک شاهد نامزدی «ماجرای نیمروز» تقریباً در همه رشته‌ها بودیم. «خفه‌گی» یا فرمی متفاوت‌تر از همه آثار یا به جشنواره گذاشته است، فیلمی سیاه و سفید ششیه به ژانر نوار در دهه ۴۰ فرانسه که فرهای یک‌شاهد در فرم و قصه می‌تواند فیلم را به ورطه سقوط بکشد. الحق باید گفت جبرانی در طراحی صحنه و جزئیات تصویر و همچنین بازیگردانی بی‌نقص کار کرده است.

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر



فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر



در این فیلم شاهد یکی از بهترین بازی‌های الناز شاکردوست در تمام دوران بازیگری‌اش هستیم. قصه نیز به گونه‌ای روایت شده که برای مخاطب باورپذیر است اما اقتضای این فیلم روند کند و مبهم آن است که زمان ۱۱۴ دقیقه‌ای آن را می‌توان از نقاط ضعفش دانست. زیرا از اساس ژانر جنایی به این شکل و صفحه تماما سیاه و سفید در سینمای گیشه جایگاهی ندارد. فیلم «نگار» نیز یک سایکودرام است که مخاطب در طول فیلم مرز بین توهم و واقعیت را گم می‌کند. زمینه جنایی نگار و کارگردانی خوب و حساس آن به همراه ریتم تند این فیلم می‌تواند از نقاط قوت این اثر باشد اما تازگی این فرم در کنار درگیر ساختن مخاطب به توهمی که انتهایش هیچ است از پاشنه آشیل‌های این اثر بوده که باید منتظر استقبال مخاطب عام از نگار باشیم. وجه مشترک این فیلم‌ها موضوع جنایی و معمایی است که می‌توان پیش‌بینی کرد سازندگان آثار خلاقانه در آینده نیز به تبعیت از این موضوعات به ساختن اثر اقدام کنند.

■ **غصه مرگ**

بالای ۸۰ درصد از فیلم‌های جشنواره «مرگ» در محوریت قرار دارد به گونه‌ای که نقطه عزیمت هر داستان با مرگ یکی از شخصیت‌ها رخ می‌دهد. مقوله مرگ و اهمیت آن در قصه‌پردازی سینمای ایران امر برجسته‌ای است که به عنوان یک امر «غم‌انگیز» و نه عبرت‌آموز در اکثر فیلم‌ها برجسته شده است. اکثر غصه مرگ در فیلم‌ها بیانگر میزان نشاط و امید در آن است. تمام برندگان سیمرغ مربوط به فیلم‌هایی بودند که در آن مرگ نقش اساسی در روایت داستان داشت.

■ **انیمیشن بی‌انیمیشن**



به وجود فیلم‌هایی که مخاطب آن را با خنده‌های تمسخرآمیز و کف زدن‌های بی‌مورد بدرقه می‌کرد، تنها شاهد یک اثر انیمیشن در این جشنواره بودیم، اثری که با فرم حرفه‌ای و چشم‌نواز خود توانست بسیاری از هنرمندان ایرانی هالیوود را به ایران بکشاند تا داستان شهید چمران را به زبان خود روایت کنند. رهایی از بهشت در آخرین سانس آخرین روز جشنواره اکران شد آن هم پس از فیلم ضعیفی به نام بی‌بست وثوق که تقریبا بدون استقبال مخاطبان اکران شد. ظلم بیشتر به رهایی در بهشت آنجا نمود بیشتری یافت که اسامی نامزدها زودتر از اکران این فیلم منتشر شد و علاوه بر اینکه شائبه دیده نشدن این انیمیشن میان مخاطبان را به وجود آورد، در استقبال مخاطبان از اکران این انیمیشن نیز تاثیرگذار بود. هرچند مدیران سررد این سینما را به «امید» تغییر نام دهند اما باید گفت سینمای امسال نیز به‌رغم وجود چند اثر خوب، با ضعف‌های تکنیکی فراوان و ناامیدی وافر همراه است. در حالی که در نهایت بتوان ۸ فیلم نسبتا خوب در جشنواره پیدا کرد، این حجم از افزایش ظرفیت فیلم‌ها بی‌معناست، فیلم‌هایی که گاه با تمسخر علنی مخاطب در رعایت نکردن بدیهی‌ترین تکنیک‌ها مواجه می‌شد، سوال اساسی باز هم در این است که چگونه می‌توان عدم حضور بسیاری از فیلم‌های باکیفیت را با وجود فیلم‌های ضعیف جشنواره توجیه کرد. به رغم نظر تمام هنرمندان، مدیران جشنواره این دوره را یکی از بهترین دوره‌های جشنواره فیلم فجر می‌دانند و اگرچه بازگردگان بحق یا بی‌عدالتی سیمرغ‌های خود را دریافت کردند اما جایزه اصلی را باید به مدیران سینمایی داد، جایزه بزرگ‌ترین شوخی باید به جناب آقای ایوبی تعلق بگیرد که به قول مسعود فراسی سخنان ایشان یک شوخی بیش نیست: «این جشنواره پر است از غلط‌های فاحش و تکنیک و رهن محتوا! بعد مسؤول سینمای مملکت (آقای ایوبی) می‌گوید امسال امید در سینما محقق شده است! این شوخی است».

رویدادها

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

در روزهایی که جشنواره فیلم فجر به پایان رسیده است، خبر جدیدی از حاشیه‌های این جشنواره در رسانه‌ها مطرح شده است. به گزارش «وطن امروز»، گمانه‌هایی از تعلیق برنامه «هفت» که با اجرای بهروز افخمی روی آنتن می‌رفت، مطرح شده است. بعد از اجرای خوب این برنامه در ایام جشنواره و انتقاد از مسؤولان سینمایی به خاطر جشنواره ضعیف سی‌وپنجم، برخی مسؤولان وزارت ارشاد در تلاش برای تعلیق این برنامه هستند. گفته می‌شود حواشی مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر و همچنین اعتراضات وزارت ارشاد باعث شده تا پخش این برنامه موقتا به تعلیق درآید. بنا بر اعلام برخی منابع غیررسمی، موضوع تغییر بهروز افخمی مجری این برنامه نیز از سوی مدیران شبکه سه سیمامورد بررسی قرار خواهد گرفت. این موضوع البته به شکلی صریح از سوی مسعود فراسی روی آنتن مطرح شد که شخص وزیر به دنبال پرونده‌سازی برای او و بهروز افخمی است و حتی اطلاعات شخصی سالیان دور این ۲ نفر نیز مورد بررسی قرار داده شده است. رویکردی که بشدت از سوی یک مدیر فرهنگی عجیب است. البته همزمان حمایت‌هایی از سوی سینماگران از این برنامه صورت گرفته است. سیروس لوند، این برنامه را مفید دانسته و خواستار ادامه روند تولید آن شده است. اهالی سینما هم طی تماس‌هایی بازرگان بسیاری در طول مدت جشنواره در این برنامه حضور یافته‌اند. با این همه اما فشارهای امنیتی هنوز علیه این برنامه ادامه دارد و گویا صالوسیما مورد اعتراض وزارت ارشاد و تحت فشار قرار گرفته است. یکی از کاربران شبکه‌های اجتماعی در مطلبی درباره احتمال تعلیق هفت، با هشتگ کردن عبارت «جان نثار» نوشته است: «وزارت پیداشت، آندقر پیگیر شد تا در نهایت ثریا را تعطیل کرد. وزارت فرهنگ هم که پایبج شده هفت را تخته کند. با این وصف حالا دیگر تقریبا مشخص شده دولت از رسانه چه می‌خواهد».

■ ■ ■

نظر شورجه درباره بازیگر نقش حضرت موسی (ع) ترجیح می‌دهیم از چهره ناشناس استفاده کنیم

«جمال شورجه» که کارگردانی مجموعه تلویزیونی «موسی پیامبر» به او سپرده شده، گفت: در حال حاضر پیشرفتی برای کار حاصل نشده و ما همچنان در انتظار و برزخ پیش‌تولید به سر می‌بریم که شاید بودجه فراهم شده و بتوانیم کارمان را شروع کنیم. وی ادامه داد: باترویی فیلمنامه در حال حاضر توسط آقای براهمی انجام می‌شود و آقای شیخ انصاری نیز مشغول تهیه آرت بودک و استتخراج آن هستند. شورجه اظهار داشت: امیدوارم با توجه به مصوبات مجلس که منجر شد بودجه تلویزیون اندکی بیشتر شود و تزریق آن توسط دولت، بتوانیم تا اوایل اردیبهشت‌ماه کار تولید را آغاز کنیم. وی افزود: درباره بازیگر نقش حضرت موسی(ع) نیز ترجیح می‌دهیم از یک چهره ناشناس که تا به حال دیده نشده استفاده کنیم که البته به معانی قصه نیز اعتقاد داشته باشد. فکر می‌کنم از این طریق بهتر به چیزی که مدنظرمان است برسیم.

■ ■ ■

مرتضی رزاق کریمی از برنامه دوره‌های بعد جشنواره فجر خبر داد

آثار مستند در بخش سودای سیمرغ

مدیر بخش مستند سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر می‌گوید این احتمال وجود دارد که در دوره‌های بعدی جشنواره تعدادی از آثار مستند به بخش سودای سیمرغ راه یابند. به گزارش مهر، مرتضی رزاق کریمی، مدیر بخش مستند سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر درباره وضعیت حضور مستندها در این رویداد در آینده گفت: سال گذشته آثار بسیار خوبی در بخش مستند سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر وجودداشت اما فاصله میان فیلم‌ها زیاد بود و می‌توان گفت تعداد محدودی از آثار ارسال شده به دبیرخانه جشنواره فیلم‌های خیلی خوبی بودند و همین مساله سبب شد تا کار داوری راحت صورت گیرد اما در سی‌وپنجمین دوره جشنواره فیلم فجر رقابت آثار به نسبت افزایش پیدا کرده و میانگین کیفیت آثار مستند بالا رفته بود. وی با اشاره به اینکه افزایش کیفیت و ساختار دراماتیک آثار مستند می‌تواند در جذب مخاطب موثر باشد، بیان کرد: رویکرد اکران فیلم‌ها مستند در جشنواره فیلم فجر و اهمیت دیده شدن این بخش از سینما شرایط خوبی را پیش آورده است و فیلمسازان خلاق سینمای ایران که آینده این هنر را می‌سازند، نسلی هستند که از سینمای مستند‌وارد سینمای داستانی شده‌اند؛ از جمله این کارگردانان می‌توان به محمدحسین مهدیوان اشاره کرد.